

جزء بیست و هشتم

## مجاهدان متحد محبوبان خدایند

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ  
صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنَيَّنٌ مَّرْصُومٌ﴾

سوره صف، آیه ۴

خداوند کسانی را که همچون سدی فولادین صف  
می بندند و در راهش می جنگند، دوست دارد.







## بیانی از آیه شریفه

مقاومت به عنوان یکی از ارزش‌های اصیل انقلابی و جهادی، پیامدها و لوازمی دارد که باید بدان توجه شود. از جمله این پیامدها آن است که ممکن است عده‌ای در طول مسیر به دلیل مشکلات مختلفی که پدید می‌آید، خسته و مأیوس شوند و از ادامه راه بازمانند و جمع رزمندگان دچار اختلال و شکست شود. اینجاست که لازمه حرکت جهادی حفظ اتحاد و انسجام و تقویت صفوف یکپارچه مجاهدان است. به همین دلیل، خداوند متعال در سوره صف که سوره جهاد است به این مطلب اشاره می‌کند که خداوند متعال کسانی را دوست دارد که در راه او به صورت متحد و یکپارچه جهاد می‌کنند و مانند سد مستحکم در برابر دشمن می‌ایستند و اجازه هیچ‌گونه نفوذی را به دشمن نمی‌دهند؛ کسانی که جهاد در راه خدا آنان را به هم پیوند می‌دهد و دل‌هایشان را به هم نزدیک می‌کند.

با توجه به نکات بیان شده، معلوم می‌شود که از عوامل مهم پیروزی در برابر دشمنان انسجام و به هم پیوستگی صفوف در میدان نبرد است. درحقیقت، قرآن دشمنان را به سیلاب ویرانگری تشبیه می‌کند که تنها با سد فولادین می‌توان آنها را مهار کرد. در ساختمان این سد عظیم هریک از اجزا نقشی دارند، ولی این نقش در صورتی مؤثر می‌شود که هیچ‌گونه فاصله و شکاف در میان آنها نباشد، و چنان متحد شوند که گویی یک واحد بیش نیستند. همگی تبدیل به یک دست و یک مشت عظیم و محکم شوند که دشمن را در هم می‌کوبد و متلاشی می‌کند. باید توجه

داشت که وحدت صفوف با گفتار و شعار به دست نمی‌آید؛ نیاز به «وحدت هدف» و «وحدت عقیده» دارد، و این چیزی است که بدون خلوص نیت و معرفت واقعی و تربیت صحیح اسلامی و احیای فرهنگ قرآن، ممکن نیست. اگر خدا مجاهدانی را دوست دارد که همچون بنیان مرصوص اند، این جمعیت‌های پراکنده را دشمن می‌دارد، و هم‌اکنون آثار خشم خدا و غضب الهی را در این جامعه چندمیلیاردی، با چشم خود می‌بینیم که نمونه آن تسلط گروه کوچک صهیونیست‌ها بر سرزمین‌های اسلامی است.

## در آینه آیات کریمه قرآن

- «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»<sup>۱</sup>.
- «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup>.

۱. سوره مبارکه انفال، آیه ۴۶: «(و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست و بددل می‌شوید و قدرت و شوکتتان از میان می‌رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.)»
۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۲: «(و یقیناً خدا وعده‌اش را [در جنگ احد] برای شما تحقق داد، آن‌گاه که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه‌کن شدن نشان می‌کشید، تا زمانی که سست شدید و در کار [جنگ و غنیمت و حفظ سنگری که محل رخنه دشمن بود] به نزاع و ستیز برخاستید، و پس از آنکه [در شروع جنگ] آنچه را از پیروزی و غنیمت دوست داشتید به شما نشان داد، [از فرمان پیامبر درباره حفظ سنگر] سرپیچی کردید. برخی از شما دنیا را می‌خواست و برخی از شما خواهان آخرت بود. سپس، برای آنکه شما را امتحان کند از [پیروزی بر] آنان بازداشت و از شما درگذشت؛ و خدا بر مؤمنان دارای فضل است.)»

- «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم إذ كنتم أعداءً فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وكنتم على شفا حفرة من النار فأنقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون»<sup>۱</sup>.
- «ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات وأولئك لهم عذاب عظيم»<sup>۲</sup>.

## در آینه روایات معصومان علیهم السلام

- امام علی علیه السلام؛ حَرَّضَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ النَّاسَ بِصِفِّينَ فَقَالَ... وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ» فَسَوُّوا صُفُوفَكُمْ كَالْبُنْيَانِ الْمَرْصُورِ فَقَدِمُوا الدَّارِعَ وَأَجْرُوا الْحَابِسَ وَعَضُّوا عَلَى التَّوَّاجِدِ فَإِنَّهُ أَنْبَأُ لِلشُّيُوفِ عَلَى الْهَامِ وَالْتَوُّوا عَلَى أَطْرَافِ الرِّمَاحِ فَإِنَّهُ أَمُورٌ لِلْأَسْتَةِ وَعَضُّوا الْأَبْصَارَ فَإِنَّهُ أَرْبَطُ لِلْجَاشِ وَأَسْكَنُ لِلْقُلُوبِ وَأَمِيتُوا الْأَصْوَاتَ فَإِنَّهُ أَطْرُدُ لِلْفَسْلِ وَأُولَى بِالْوَقَارِ وَلَا تَمِيلُوا بِرَأْيَاتِكُمْ وَلَا تَزِيلُوهَا وَلَا تَجْعَلُوهَا إِلَّا مَعَ شُجْعَانِكُمْ فَإِنَّ الْمَنَاعَ لِلدِّمَارِ وَالصَّابِرَ عِنْدَ نَزُولِ الْحَقَائِقِ هُمْ أَهْلُ الْحِفَاطِ وَلَا تَمِيلُوا بِقَتِيلِ<sup>۳</sup>.

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۳: «(و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اهل بیت علیهم السلام) چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید. پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد. در نتیجه، به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد. خدا این گونه، نشانه های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید.»

۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۵: «(و شما ای اهل ایمان، مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و [در دین] اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است.»)

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۹: «(امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را برای شرکت در جنگ صفین

- امام علی علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ وَالتَّيَّامِكُمْ وَالتَّدَابُرِ وَالتَّقَاطِعِ<sup>۱</sup>.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: اَلْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ الْمَرْمُوضِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا<sup>۲</sup>.
- امام علی علیه السلام: وَالتَّيَّامِكُمْ وَالتَّفَرُّقُ، فَإِذَا نَزَلْتُمْ فَأَنْزِلُوا جَمِيعًا وَإِذَا اِرْتَحَلْتُمْ فَأَرْتَحِلُوا جَمِيعًا<sup>۳</sup>.

■ امام علی علیه السلام: فَأَنْظِرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتِ الْأَمْلاءُ مُجْتَمِعَةً وَالْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً وَالْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَالْأَيْدِي مُتْرَادِفَةً وَالسُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً وَالتَّبَصَّائِرُ نَافِدَةً وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمْ يَكُونُوا أَزْبَابًا فِي أَفْطَارِ الْأَرْضِيِّينَ وَمُلُوكًا عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِيِّينَ. فَأَنْظِرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَتَشَتَّتَتِ الْأَلْفَةُ وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالْأَفْئِدَةُ وَتَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ وَتَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ وَقَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كِرَامَتِهِ وَسَلَبَهُمْ غَضَارَةَ

تشویق می کردند و می فرمودند: ... در واقع، خدا کسانی را که در راهش در صفی محکم و به هم چسبیده می جنگند دوست می دارد. پس، صف های تان را همانند بنایی محکم و به هم چسبیده صاف و برابر کنید. کسی را که کلاه خود و زره ندارد در صف های بعدی قرار دهید. دندان های کرسی خود را بر هم بفشارید که موجب می شود شمشیرها محکم تر فرود آید. کناره نیزه ها را بگیرید که برای حرکت دادن آن بهتر است. چشم های خود را ببندید که برای پایداری قلب و آرامش آن بهتر است. صداهای خود را بمیرانید (آهسته سخن بگویید) که بهتر باعث از بین رفتن ترس می شود و بیشتر موجب سنگینی و وقار خواهد بود. پرچم های خود را کج بگیرید (یا میندازید) و آن را بر زمین میفکنید و آنها را جز به دست افراد شجاع مدهید؛ چون تنها این افراد هستند که چیزهایی را که باید نگهداری شود نگاهداری می کنند و در هنگام سختی های شدید شکیبا هستند و هیچ کشته ای را قطع عضو نکنید.)

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷: «بر شما باد به پیوند با هم و بخشش مال به یکدیگر و بهره‌زید از دوری و قطع رابطه با هم.»

۲. نهج الفصاحه، ح ۳۱۰۳: «مؤمن برای مؤمن چون بنای محکم است که اجزای آن یکدیگر را استحکام می بخشند.»

۳. نهج البلاغه، نامه ۱۱: «هنگامی که لشکری را به سوی دشمن فرستادند، این وصیت را فرمودند: هرگاه فرود آید، همگان فرود آید، و زمانی که کوچ کنید، همه کوچ کنید.»

نِعْمَتِهِ وَبَقِي قَصُّ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا [عِبْرَةً] لِلْمُعْتَبِرِينَ.<sup>۱</sup>

■ امام علی علیه السلام: من خطبه له علیه السلام بعد غارة الضحاک بن قیس صاحب معاویه علی الحاج بعد قصة الحکمین و فیها یستنهض أصحابه لما حدث فی الأطراف: أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَبَدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ، كَلَامُكُمْ يُوْهِي الصَّمَّ الصِّلَابَ وَفِعْلُكُمْ يُطْمَعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءُ؛ تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتَ وَكَيْتَ، فَإِذَا جَاءَ الْفِتَالُ قُلْتُمْ حَيْدِي حَيْادٍ. مَا عَزَّتْ دَعْوَةٌ مِنْ دَعَاكُمْ وَلَا اسْتِرَاحَ قَلْبٌ مِنْ قَاسَاكُمْ، أَعَالِيلُ بِأَصَالِيلٍ وَسَائِلُ مَوْنِي التَّطْوِيلِ دِفَاعَ ذِي الدَّيْنِ الْمَطُولِ. لَا يَمْنَعُ الصَّيْمَ الدَّلِيلُ وَلَا يُدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ. أَيُّ دَارٍ بَعْدَ دَارِكُمْ تَمْنَعُونَ وَمَعَ أَيِّ إِمَامٍ بَعْدِي تُقَاتِلُونَ.<sup>۲</sup>

۱. همان، خطبه ۱۹۲: «بنگرید چگونه بودند زمانی که اجتماعشان متحد، خواسته‌هایشان متفق، دل‌ها معتدل و مناسب، دست‌ها پشتیبان هم، و شمشیرها مددکار یکدیگر، چشم دلشان نافذ و تصمیم‌هایشان یکی بود. آیا با این خصال آقای سراسر زمین نبودند و بر جهانیان حکومت نمی‌کردند؟ از طرفی، به پایان کارشان نظر کنید که به کجا رسید زمانی که بینشان جدایی افتاد؟ الفتشان به پراکندگی رسید، وحدت کلمه و دل‌هایشان به اختلاف مبدل شد، دسته‌دسته شدند و به جنگ با هم برخاستند. خداوند لباس کرامت را از وجودشان به درآورد، و نعمت فراوانش را از آنان گرفت. و داستان زندگی آنان در بین شما به عنوان درس عبرتی برای عبرت‌گیرندگان شما باقی ماند.»

۲. همان، خطبه ۲۹: «از خطبه‌های آن حضرت است پس از برنامه حکمین و تاخت‌وتاز ضحاک بن قیس، که در این خطبه به آنچه در اطراف قلمرو حکومتشان به وجود آمده است اشاره کرده و پیروانشان را به ایجاد نظم و صلاح ترغیب فرموده‌اند: ای مردمی که بدن‌هایتان با هم و خواهش‌هایتان مختلف است، کلامتان سنگ سخت را می‌شکنند و عملتان دشمن را به شما طمع‌کار می‌کند. در مجالس لاف و گزاف می‌زنید و به وقت جنگ فریاد می‌کنید: ای جنگ، از ما دور شو. دعوت کسی که شما را بخواند ارزش نیابد و قلب آن‌که رنج شما را تحمل کند آسایش ندارد. بهانه‌های دوران منطق می‌آورید؛ همانند بدهکاری که بی‌دلیل از طلبکار تمديد می‌طلبید. خوار و ترسو ستم را از خود باز نمی‌دارد و حق بدون تلاش به دست نمی‌آید. از کدام خانه بعد از خانه خود دفاع می‌کنید؟ و همراه کدام پیشوا پس از من به جنگ می‌روید؟»



■ گفتار آیه در زمینه توبیخ است. می‌خواهد مؤمنین را به خاطر اینکه بدانچه می‌گویند عمل نمی‌کنند توبیخ کند. قرآن پر است از آیاتی که مؤمنین را توبیخ و عتاب می‌کند، مخصوصاً آیاتی که درباره جنگ‌ها و متعلقات آن نازل شده؛ از قبیل آیات راجع به جنگ احد، احزاب، حنین، صلح حدیبیه و جنگ تبوک، و مسئله انفاق در راه خدا و امثال آن.

و مورد توبیخ در آیه می‌فهماند که گویا بعضی از مؤمنین قبل از جنگ وعده پایداری داده بودند که به هیچ وجه پشت به جنگ نکنند، و پا به فرار نگذارند و یا از بیرون شدن برای جنگ تثاقل نورزند، و یا از انفاق در تهیه ابزار جنگ برای خود و دیگران مضایقه نمایند، ولی در موقع عمل خلف وعده کرده‌اند.

کلمه صف، بنا به گفته راغب، به معنای این است که چند چیز، مثلاً چند نفر انسان و یا درخت، در خطی مستقیم قرار بگیرند؛ و معنای آیه این است که خدا دوست می‌دارد کسانی را که در راه او قتال می‌کنند، در حالی که به صف ایستاده‌اند. کلمه بنیان به معنای بنا، و کلمه مرصوص به معنای ساختمانی است که با رصاص محکم کاری شده؛ به طوری که در مقابل عوامل انهدام، مقاوم باشد. این آیه شریفه جنبه تعلیل را دارد، البته با دلالت التزامی، و توبیخ قبلی را تعلیل می‌کند؛ به این بیان که وقتی خدای تعالی از مقاتلان آن کسانی را دوست می‌دارد که چون کوه ایستادگی کنند، قهراً از مقاتلاتی که وعده پایداری می‌دهند، ولی پایداری نمی‌کنند و پا به فرار می‌گذارند، خشمگین خواهد بود.<sup>۱</sup>

## ■ اهمیت تبیین همراه با حفظ وحدت در موارد وجود اختلاف نظر

مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیرمفید و احیاناً مضر در این حرکت پیش‌رونده نشود، که یکی از اینها، همین مسئله اختلافات است. من با حرکت روشنگرانه از سوی هرکسی، از سوی هر نهادی، هیچ مخالفتی ندارم، بلکه علاقه‌مندم و معتقدم به مسئله تبیین؛ یعنی اصلاً جزو راهبردهای اساسی کار ما از اول، مسئله تبیین بوده است. تبیین لازم است؛ اما این معنایش این نیست که ما به اختلافات درونی هی دامن بزنیم. مراقب باشید. این راه‌ها باید مراقب باشند؛ به خصوص سپاه سپاه مراقب باشد. در جریان‌های سیاسی، در جریان‌های گوناگون فکری و سلیقه‌ای، مطلقاً مشتعل کردن فضا مناسب نیست. حالا شماها الحمدلله همه‌تان بصیرید، آگاهید، لابد از جریان‌ات خبر دارید و الان همین اوضاعی را که توی کشور هست، می‌بینید که متأسفانه این علیه آن، آن علیه این؛ و دستگاه‌های خارجی چه خوشحالی‌ای می‌کنند؛ تحلیل می‌گذارند رویش؛ بله، بینشان اختلاف افتاد، نابود شدند، از بین رفتند. آرزوهای خودشان را می‌رتباً تکرار می‌کنند. خوب، پیدا است که این مسئله نقطه ضعف ماست. نباید بگذاریم این نقطه ضعف ادامه پیدا کند یا افزایش پیدا کند. اینها را باید توجه داشت. حرکت، حرکت متین، مستدل و مستند باشد. اگر کسانی اختلاف نظرهایی دارند، با استدلال بیان کنند. عرض کردم، من معتقد به تبیین هستم. در دوران مبارزات هم، اختلاف ما با چپی‌ها و مارکسیست‌هایی که آن وقت مبارزه می‌کردند، سر همین بود که ما می‌گفتیم باید تبیین کرد، آنها به تبیین اعتقاد نداشتند؛ یک چیز دیگری می‌گفتند، یک تفسیر دیگری داشتند. کار انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از هو و جنجال بود. اگر هو و جنجال وارد شد، حرف منطقی را هم خراب خواهد کرد. ممکن است چهار نفر جذب شوند، اما چهار نفر آدم

هوشمندتر دفع می‌شوند. این، حرف ماست؛ این، عرض ماست. حرکت، حرکت پیش‌رونده باشد. به خیلی چیزها نیاز هست. من اینجا یادداشت کردم؛ از جمله صَفِّ واحد بودن، که همین مسئله وحدتی است که عرض کردیم: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾؛ مثل یک ستون مستحکم، مثل یک دیوار حصین و نفوذناپذیر در مقابل تهاجم دشمن بایستی ایستاد.<sup>۱</sup>

### ■ لزوم ایستادگی در مقابل دشمن با حفظ وحدت

اختلاف سیاسی مانعی ندارد؛ اختلاف نظر مانعی ندارد؛ مبارزات انتخاباتی به شکل سالم مانعی ندارد؛ اما خراب کردن یکدیگر، خراب کردن چهره کشور، خراب کردن ذهن مردم و چهره مسئولین دلسوز اشکال دارد؛ ایجاد سؤال و ابهام در ذهن مردم اشکال دارد. با وحدت و یکپارچگی، ﴿كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾، مثل یک دژ پولادین، در مقابل دشمن بایستید؛ مثل چند برادر در یک خانه. ممکن است دو برادر از یکدیگر کدورت و گله هم داشته باشند، اما در مقابل کسی که به خانه آنها حمله می‌کند، دوش به دوش، باید در کنار هم بایستند. آحاد ملت باید این‌گونه باشند. این، یکی از ویژگی‌هایی است که در این سنگر می‌توانید حفظ کنید.<sup>۲</sup>

### ■ عدم توانایی مقاومت ابرقدرت‌ها در مقابل وحدت ملت

آنها از این وحدت خوف داشتند، و حالا هم احساس کردند، لمس کردند که اگر ملت با هم وحدت پیدا بکنند، اگر جناح‌های مختلف یکی بشوند، ابرقدرت‌ها هم نمی‌توانند با اینها مقاومت کنند.<sup>۳</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۴/۱۳.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۱/۱/۱۵.

۳. بیانات امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در جمع فرماندهان ترابری ارتش، ۱۳۵۸/۲/۳.

## ■ وحدت کلمه بین شیعه و سنی

امروز ما باید همه پشتیبان یکدیگر باشیم. اگر قشری با قشر دیگر مخالفت کند، کم‌کم زیاد می‌شود و باعث شکست خواهد بود. من امیدوارم همه بتوانیم تبلیغاتی که علیه ماست خنثی کنیم و وحدت کلمه بین همه ایجاد شود و برادران اهل تسنن و تشیع با هم باشند و همین رویه دنبال شود تا بتوانیم کار کنیم. خداوند همه را توفیق دهد.<sup>۱</sup>

### در آینه شعر و حکایت

دوش می‌گفت بلبلی با باز  
تو که زشتی و بدعبوس و مهیب  
مست و آزاد روی دست شهان  
من بدین ناطقی و خوش‌خوانی  
قفسم مسکن است و روزم شب  
باز گفتا که راست می‌گویی  
خوی تو گفتن است و ناکردن

کز چه حال تو خوش‌تر است از من  
تو که لالی و گنگ و بسته‌دهن  
با دوصد ناز می‌کنی مسکن  
با خوش‌اندامی و ظریفی تن  
بهره‌ام غصه است و رنج و محن  
لیک سرّش بود بسی روشن  
دأب من کردن است و ناگفتن

## ■ برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار به برکت رسول الله ﷺ

دو قبیله کاوس و خزرج نام داشت  
کینه‌های کهنه‌شان از مصطفی  
اولاً اخوان شدند آن دشمنان  
وز دم المؤمنون اخوه به پند  
صورت انگورها اخوان بود  
غوره و انگور ضدان‌اند لیک

یک ز دیگر جان خون‌آشام داشت  
محو شد در نور اسلام و صفا  
همچو اعداد عنب در بوستان  
در شکستند و تن واحد شدند  
چون فشردی شیره واحد شود  
چونک غوره پخته شد، شد یار نیک<sup>۲</sup>

۱. بیانات امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در جمع ائمه جمعه استان بوشهر، ۱۳۶۱/۵/۲۵.

۲. مولانا، مثنوی معنوی، دفتر دو، بخش ۱۱۳.

## عهد با ائمه

- درباره این آیه با اقوام و دوستان خود صحبت کنیم و اهمیت اتحاد و انسجام را برای آنها توضیح دهیم.
- یک فعالیت خانوادگی مانند صدقه دسته جمعی، دادن نذری یا جمع آوری کمک را به طور مستمر برای کمک به جبهه مقاومت انجام بدهیم تا همه اعضای خانواده با مسلمانان و مجاهدان خط مقدم احساس هم بستگی و اتحاد کنند.
- در آپارتمان، محله و منطقه خود چه اقدام و فعالیت جمعی در مسئله اسرائیل و کمک به جبهه مقاومت می توانیم انجام دهیم؟ یک برنامه و فعالیت را انتخاب کنیم و با کمک خانواده و دوستان خود آن را انجام دهیم.
- حفظ اتحاد را به عنوان ملاک اساسی در تصمیمات و فعالیت های خود در نظر بگیریم و حداکثر تلاش خود را برای حفظ آن بکنیم.
- اشتراک خود را با اقشار و گروه های مختلف بیابیم. سعی کنیم حول این محور مشترک، با آنان ارتباط بگیریم و در محله و منطقه خود برنامه هایی با مشارکت همه این اقشار یا برنامه هایی ویژه این اقشار برگزار کنیم.

## دو دقیقه پای منبر آیه

### نقش هنر در رساندن زیبایی ها و شیرینی های زندگی جهادی

هنوز نتوانسته ایم در جامعه مان زیبایی های زندگی جهادی را جا بیندازیم و به تصویر بکشیم. در قالب سریال یا فیلم سینمایی نمایش دهیم؛ مثلاً جوانی دانشمند چطور صبح تا شب تلاش علمی می کند؛ یعنی مجاهدانه

زندگی می‌کند، به خلاقیت علمی می‌رسد، گره‌های کور علمی را چطور با تلاش شبانه‌روزی می‌گشاید، بلکه برعکس، گاهی ضد این راه هم نمایش دادیم. برخی از فیلم‌های سینمایی که برای شهدای هسته‌ای ساخته‌اند القای عکس دارند؛ یعنی نگرانی، وقت نگذاشتن برای زن و بچه، آینده مبهم و گاهی حتی بی‌مسئولیتی در برابر خانواده در عین علاقه‌مندی را درباره شهدا به نمایش گذاشته‌اند. خب، اثر این فیلم چیست؟ هیچ جوانی حاضر نیست دانشمند هسته‌ای شود.

کدام سریال و فیلم را سراغ داریم که زیبایی زندگی جهادی را نمایش داده باشد؟ بله؛ از عوامل سریال «دکتر غریب» تشکر می‌کنم. واقعاً این سریال توانست زندگی پزشک جهادی را به خوبی نشان دهد؛ اما کم است؛ کافی نیست.

چقدر تلاش شد تا جهاد و زندگی جهادی در اذهان عمومی مخدوش شود؟ داعش نمونه‌ای از آن بود. مردم حالشان از جهاد و زندگی جهادی به هم می‌خورد، درحالی‌که جهاد زیباست و زندگی جهادی زیباتر. چرا این بچه‌های دفاع مقدس خط مقدم را رها نمی‌کردند؟ مگر آنجا تیر و ترکش نبود؟ مگر مرگ در یک قدمی آنها قدم نمی‌زد؟ پس، چرا دل را به میدان جهاد با جان سپردند؟ چون شما خبر ندارید از زیبایی‌های زندگی جهادی. چرا شهدا این قدر خاطرخواه دارند؟ چون جان‌مایه زندگی شهدا جهادشان است. مخاطب این زیبایی را با تمام وجود درک می‌کند.

اما جدای از شیرینی‌های زندگی جهادی، این زندگی دشمنانی دارد که نمی‌گذارند این سبک زندگی اصلاً شکل بگیرد؛ نه در جان‌مانه در جامعه ما.

### راحت‌طلبی اولین دشمن زندگی جهادی درون ما

اولین دشمن زندگی جهادی از درون ماست؛ یعنی راحت‌طلبی، میل به

عافیت طلبی و تنبلی. اگر زندگی جهادی راه حل برون رفت از مشکلات ماست، اول باید از درون خودمان، درون جامعه خودمان راحت طلبی را بیرون کنیم. در جلسات پیشین، این جمله را گفتیم که راحتی با راحتی به دست نمی آید. برای رسیدن به راحتی، باید از راحتی خودت بگذری؛ برای راحتی، باید بجنگی. اولین علاقه و اولین گرایش که ما در خودمان تجربه می کنیم «راحت طلبی» است. حتی لذت جویی که یکی از گرایش های فراگیر ما در طول زندگی مان است و برای همه آدم ها به انحاء مختلف، مطرح است، بعد از راحت طلبی سراغ آدم می آید. گرچه خود راحتی لذت دارد، انسان به راحتی علاقه مند است.

نوزاد تا گرسنه اش می شود، احساس می کند ناراحت شده است و گریه می کند. تا دل درد می گیرد، ناراحتی را احساس می کند و عکس العمل نشان می دهد.

ما با راحت طلبی زاده می شویم. بعداً گرایش های دیگر دنیایی ما بیشتر تجلی می کنند و بعضی از اوقات به سبب همین راحت طلبی تورم یافته، گرایش های دیگر بد و خوبی هم در ما شکل می گیرد. شاید اوایلش انسان زیاد حب بقا نداشته باشد. نمی فهمد من بمیرم یعنی چی. دوست دارم زنده بمانم را ممکن است حس و تجربه نکند، ولی عجالاً مایل است «ناراحت» نباشد. راحت طلبی یکی از گرایش های کلیدی ماست. پیامبر صلی الله علیه و آله راحت طلبی را در کنار حب الدنیا گذاشته اند و ریشه تمام گناهان را به این شش مورد برگردانده اند: **إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ سِتَّةٌ حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ وَحُبُّ الطَّعَامِ وَحُبُّ النَّوْمِ وَحُبُّ الرِّاحَةِ وَحُبُّ النِّسَاءِ.**

### اختلاف و نبود همدلی دشمن بیرونی زندگی جهادی است

اما دومین دشمن زندگی جهادی از بیرون ماست. اختلاف و نبود همدلی در جامعه زندگی جهادی ما را تهدید می کند. زندگی جهادی یک مدل

زندگی جمعی نیز هست. همیشه نمی‌توان تنهایی تلاش کرد و بسیاری از اوقات باید توانت را با توان دیگری ضرب کنی تا جهاد تو اثر بگذارد: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾. خداوند متعال کسانی را دوست دارد که در راه او به صورت متحد و یکپارچه جهاد می‌کنند و مانند سد مستحکم در برابر دشمن می‌ایستند و اجازه هیچ‌گونه نفوذی را به دشمن نمی‌دهند؛ کسانی که جهاد در راه خدا آنان را به هم پیوند می‌دهد و دل‌هایشان را به هم نزدیک می‌کند.

بنا بر این آیه، با توجه به نکات بیان شده، معلوم می‌شود که از عوامل مهم پیروزی در برابر دشمنان انسجام و به هم پیوستگی صفوف در میدان نبرد است. درحقیقت، قرآن دشمنان را به سیلاب ویرانگری تشبیه می‌کند که تنها با سد فولادین می‌توان آنها را مهار کرد. در ساختمان این سد عظیم هریک از اجزا نقشی دارند، ولی این نقش در صورتی مؤثر می‌شود که هیچ‌گونه فاصله و شکاف در میان آنها نباشد، و چنان متحد شوند که گویی یک واحد بیش نیستند. همگی تبدیل به یک دست و یک مشت عظیم و محکم شوند که دشمن را در هم می‌کوبد و متلاشی می‌کند. اما اگر این‌گونه نشد، امیرالمؤمنین علیه السلام به یارانشان می‌فرماید: «به خدا قسم، سپاه معاویه به زودی بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنها در یاری کردن باطل خود وحدت دارند، و شما در دفاع از حق متفرقید.»

باید توجه داشت که وحدت صفوف با گفتار و شعار به دست نمی‌آید؛ نیاز به «وحدت هدف» و «وحدت عقیده» دارد، و این چیزی است که بدون خلوص نیت و معرفت واقعی و تربیت صحیح اسلامی و احیای فرهنگ قرآن، ممکن نیست. اگر خدا مجاهدانی را دوست دارد که همچون بنیان مرصوص‌اند، این جمعیت‌های پراکنده را دشمن می‌دارد، و هم‌اکنون آثار خشم خدا و غضب الهی را در این جامعه چندمیلیاردی، با چشم خود

می بینیم که نمونه آن تسلط گروه کوچک صهیونیست‌ها بر سرزمین‌های  
اسلامی است.

